

## تحلیل نقش و شخصیت پردازی زنان در داستان «ویران می آیی»، اثر حسین سناپور

حلیمه نقدی نسب<sup>۱</sup>، محمد صادق بصیری<sup>۲</sup>، نجمه حسینی سروری<sup>۳</sup><sup>۱</sup> دانشجوی کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه شهید باهنر کرمان، halimehnaaghdinasab@gmail.com<sup>۲</sup> استاد زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه شهید باهنر کرمان، ms.basiri@gmail.com<sup>۳</sup> استادیار زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه شهید باهنر کرمان، hosseini.sarvari@gmail.com

## چکیده

شخصیت از مهم ترین عناصر داستانی است که، بیانگر ویژگی های ساختاری و گفتمان حاکم بر فضای داستان است. شخصیت های داستانی باز نمود ویژگی های جامعه شناختی و بازنمایی شخصیت های واقعی زندگی انسان ها هستند. جایگاه زنان در ادبیات کهن ایران، درگیر با عرف عمومی حاکم بر بینش اجتماعی جامع بوده است. شخصیت های زن در ادبیات ایران پس از مشروطیت نقش و حضوری پررنگ یافتند و محوریت قهرمانان مذکر داستان ها به زنان تغییر یافت. بسیاری از داستان نویسان معاصر، چندین تن از شخصیت های زن را در داستان های خود محور کار قرار داده اند. حسین سناپور یکی از نویسندگانی است که در رمان ویران می آیی، با تکیه بر وقایع سیاسی و اجتماعی دهه هفتاد تهران، به توصیف اعمال و رفتار شخصیت های زن پرداخته است. روش پژوهش در این مقاله، توصیفی - تحلیلی بر پایه مطالعات کتابخانه ای و یادداشت برداری است. در این گفتار، به تحلیل نقش و جایگاه زنان در ساختار اجتماعی شهری دهه هفتاد پرداخته شده و شخصیت پردازی زنان از منظر شیوه های شخصیت پردازی، اصلی و فرعی، ساده و جامع، ایستا و پویا، قراردادی و ... بیان شده است. به نظر می رسد نویسنده، با درگیر کردن شخصیت های زن داستان در فعالیت های سیاسی دهه هفتاد، به نقد سیاست و بازی های حاصل از آن پرداخته است. زنان داستان در تقابل با یکدیگر و مردان قرار گرفته اند. نویسنده از هر دو شیوه شخصیت پردازی مستقیم و غیر مستقیم استفاده کرده است. شیوه شخصیت پردازی زنان از طریق عمل و رفتار، نام، گفتگو، تک گویی درونی، جریان سیال ذهن، توصیف محیط و قیافه ظاهری است. پرداخت شخصیت ها بر مضمون داستان غلبه پیدا کرده است.

## واژه های کلیدی

داستان معاصر، شخصیت پردازی، زنان، ویران می آیی، حسین سناپور

## مقدمه

نظریه پردازان و منتقدان ادب داستانی، تعاریف متعددی در باب شخصیت و ویژگی های آن بیان کرده اند. اشتیاق بشر برای شناخت اذهان و درونیات آدمی، زمینه پررنگ کردن شخصیت را در داستان ها

فراهم کرد. «عامل شخصیت محوری است که تمامیت قصه بر مدار آن می چرخد» [۱]. نویسندگان از طریق شخصیت ها، اندیشه و عواطف خود را عینیت می بخشند. «خلق چنین شخصیت هایی را که برای خواننده در حوزه داستان تقریباً مثل افراد واقعی جلوه می کنند، شخصیت پردازی می نامند» [۲]. شیوه شخصیت پردازی در داستان متعدد است. ممکن است نویسنده از شخصیت پردازی به شیوه مستقیم استفاده کند. در این شیوه نویسنده به ارائه صریح شخصیت ها می پردازد، یا اینکه از زاویه دید فردی در داستان، دیگر شخصیت ها را نمودار می سازد [۳]. «در شیوه مستقیم نویسنده معمولاً با کلی گویی، تعمیم دادن و تیپ سازی فرد مورد نظر خود را به خواننده معرفی می کند» [۴]. در شیوه غیر مستقیم نویسنده شخصیت داستان را، در حین عمل و انجام کاری نمایان می سازد و خواننده از طریق اعمال، رفتار و آنچه که می کنند و می گویند، به شناخت شخصیت ها پی می برد. بیشتر نویسندگان از این شیوه نمایشی استفاده می کنند [۵]. در شخصیت پردازی به شیوه غیر مستقیم نویسنده از کنش، گفتار، نام، محیط، وضعیت ظاهری، توصیف و ... در پرداخت شخصیت هایش بهره می برد [۶].

.... نویسنده ممکن است، از روش بینابین برای معرفی شخصیت ها استفاده کند. هم از عمل داستانی و هم شرح و تفسیر، در ساخت و پرداخت شخصیت ها بهره می گیرد. یکی دیگر از روش های معرفی شخصیت ها، به شیوه جریان سیال ذهن است. «در این روش، افکار، احساسات و خاطرات، به شکلی تصادفی و درهم ریخته - آنگونه که در ذهن شخصیت می گذرند - به نمایش گذاشته می شود» [۷]. از روش - های ارائه جریان سیال ذهن می توان از حدیث نفس و تک گویی درونی نام برد.

.... شخصیت از جنبه های گوناگون به انواع مختلفی، همچون: اصلی و فرعی، ایستا و پویا، ساده و جامع، قراردادی، قالبی، نوعی، نمادین، همه جانبه و ... تقسیم بندی شده است. توضیح درباره همه این موارد از حوصله مقاله خارج است اما به طور خلاصه می توان گفت: شخصیت اصلی، در محوریت مرکز داستان قرار می گیرد و موضوع داستان مربوط به اوست. برخی از شخصیت های داستان نقش فرعی دارند. «حضور شخصیت فرعی در داستان است که باعث شناسایی شخصیت اصلی می شود» [۸]. شخصیت فرعی، به روند شکل گیری